

کینه‌ی تیز در دست
مست مست، برخیز
پیش‌تر از آن‌که بگویند
پیاله‌ات شکست
بی‌جان و جامه شو
که ما عریانی تو را
هزار سال دیده‌ایم
و تنهائی‌ات را
ای نازنین عروس زمین
هزار بار گریسته‌ایم

طوقی به گردنت ببند
مثل کبوتران حق
مست و ترانه‌خوان
بر ساقه‌ی تابیده‌ی کنف برقص
با آهنگ سحرگهان
که چنین است رسم عاشقان...